

چرا سیاست مهم است

اندرو گمبل

www.ketab.ir



ترجمه‌ی
شهاب‌الدین عباسی

به یاد مایکل مورن (۲۰۱۸-۱۹۴۶) محقق و دوست،
کسی که فهمید چرا سیاست مهم است.

www.ketab.ir

سرشناسه: گمبل، اندرو، ۱۹۴۷ م

Gamble, Andrew

عنوان و نام پدیدآور: چرا سیاست مهم است / اندرو گمبل / شهاب‌الدین عباسی

مشخصات نشر: تهران: نشر چرخ، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۱۱۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۰-۸۹-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Politics: why it matters

موضوع: علوم سیاسی- فلسفه

موضوع: Political science--Philosophy

شناسه‌ی افزوده: عباسی، شهاب‌الدین، ۱۳۴۵، مترجم

ردیف‌دی کنگره: JAV۱

ردیف‌دی دیویی: ۳۲۰/۰۱

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۹۵۹۵۹۴۹

نشر چرخ: ناشر علوم انسانی خانوادگی فرهنگی چشمه

چرا سیاست مهم است

اندرو گمبل

ترجمه‌ی شهاب‌الدین عباسی

ویراستار: حسن مرتضوی

مدیر هنری: فؤاد فراهانی

همکاران آماده‌سازی: پریسا شکورزاده، منصوره مهدی‌آبادی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۳، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۰-۵-۸۹

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چرخ است.

هرگونه نقیض و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی خانواده‌ی فرهنگی چشمه (تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰)

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

کتاب‌فروشی چشمه (تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶)

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش خیابان آیت‌الله العظمی، پلاک ۱۰۷.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کورش (تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶)

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دانشگاه (تلفن: ۶۶۲۷۹۲۷۰)

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، بین فخر رازی و دانشگاه، پلاک ۶.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی جم (تلفن: ۲۶۲۵۰۸۷۲)

تهران، نیاوران، جماران، مجتمع تجاری خیمستر، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی بابل (تلفن: ۰۱۱-۴۴۴۲۳۰۷۱-۲)

بابل، خیابان مدرس، نبش مدرس ۲۱، مرکز خرید پلازا، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۱۱.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کارگر (تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳)

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

کافه‌کتاب کیلگمش

تهران، خیابان کریم‌خان زند، خیابان عضدی جنوبی (آبان)، ابتدای خیابان جعفر شهیدی (سپید)، پلاک ۷۲.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دلشدگان (تلفن: ۰۵۱-۳۸۶۷۸۵۸۷)

مشهد، بلوار وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد هجده و بیست (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی رشت (تلفن: ۰۹۰-۲۱۴۹۸۲۸۹)

رشت، خیابان معلم، میدان سرگل، ابتدای کوچه‌ی هفدهم.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی البرز (تلفن: ۰۲۶-۳۵۷۷۷۵۰۱)

کرج، عظیمیه، بلوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مهرادمال، طبقه‌ی پنجم.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی فلاک (تلفن: ۸۸۳۷۲۰۹۵)

تهران، شهرک غرب، خیابان استاد شجریان (فلاک شمالی)، نبش نوزدهم، پلاک ۲.

تلفن پخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

www.cheshmeh.ir

charkhpublication

charkhpublication

www.ketab.ir

۸۷	۷
۴. آیا سیاست می‌تواند دنیای بهتری بسازد؟	مقدمه‌ی مترجم فارسی
۱۰۵	۱۳
یادداشت‌ها	پیش‌گفتار
۱۰۷	۱۷
چند تصویر	مقدمه
۱۱۱	۲۳
منابعی برای مطالعه‌ی بیش‌تر	۱. چرا خود را به دردرس سیاست بیندازیم؟
۱۱۵	۳۵
نمایه	۲. در سیاست چه چیزی در خطر است؟
	۶۳
	۳. فایده‌ی مطالعه‌ی سیاست چیست؟

چرا سیاست امروز است نخستین بار در ۲۰۱۹ منتشر شد. کتاب با زبانی روشن شرح می‌دهد که سیاست امروزه چه جایگاهی در جهان دارد، فایده‌ی مطالعه و فعالیت سیاسی چیست، سیاست چه نسبتی با حقیقت دارد، آیا به مدد سیاست می‌توان دنیا را بهتری ساخت، چگونه می‌توان به تفکر سیاسی پرداخت و به چه دلیل باید خود را به دردرس سیاست انداخت. نویسنده‌ی کتاب اندرو گمبل (متولد ۱۹۴۷) محقق‌ی بریتانیایی در رشته‌ی سیاست است. گمبل در کالج کوئینز در دانشگاه کمبریج اقتصاد خواند و مدرک کارشناسی ارشد خود را در نظریه‌ی و هم علوم سیاسی از دانشگاه دارم دریافت کرد. در ۱۹۷۵ هم در رشته‌ی علوم اجتماعی و هم علوم سیاسی دکترا گرفت. زمانی که در دانشگاه شفیلد بود، بنیان‌گذار، عضو و مدیر مرکز تحقیقات اقتصاد سیاسی، رئیس دپارتمان سیاسی و معاون رئیس دانشگاه بود. در ۲۰۰۵ جایزه‌ی سِر آیزایا برلین را برای یک عمر نقش‌آفرینی در مطالعات سیاسی دریافت کرد. گمبل نویسنده‌ی کتاب‌های متعدد درباره‌ی سیاست است که یکی از آن‌ها برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کتاب منتشرشده در علوم سیاسی در ۲۰۰۳ شد. اندرو گمبل سردبیر و عضو هیئت تحریریه‌ی چند مجله‌ی

علوم سیاسی است. کتاب چرا سیاست مهم است نیز همان طور که می شد انتظار داشت با اقبال روبه رو شد و آن را کتابی می خوانند که هر شهروند باید آن را مطالعه کند.

گمبل هم مانند برخی محققان دیگر معتقد است امروزه سیاست چندان خوش نام نیست. مردم اغلب بر جنبه های منفی سیاست مانند طمع و فساد تمرکز می کنند، در عین حال که به نحو شهودی برای آن اهمیت قابل اند و کمایش اخبار سیاسی را دنبال می کنند و می دانند که سیاست با زندگی و آینده شان ارتباط مهمی دارد، اگرچه شیوه ها و رویه های مختلفی در قبال آن پیش می گیرند. در مورد «شجره نامه»ی سیاست بدگویی هایی بر زبان است اما در این چندان تردید نیست که سیاست بر سرنوشت انسان ها اثرات گسترده و عمیقی دارد، در عین حال که همه چیز سیاسی نیست.

امروزه تصویر سیاست مخدوش شده است. انبوه کتاب هایی که درباره ی بازی های سیاسی در سال های اخیر منتشر شده نیز حاکی از همین واقعیت است. از جمله کتابی که دو متفکر علوم سیاسی درباره ی تفکر سیاسی منتشر کرده اند و این دو اثرم ترجمه ی آن کتاب هم به همین قلم در آینده ی نزدیک منتشر شود. در این اشاره می کنند که امروزه رایج است سیاست را باتلاق بخوانند، به قول سیاستمداری انگلیسی در قرن نوزدهم، «باتلاقی متعفن». یکی از سیاستمداران اروپایی معاصر هم می گوید من وارد سیاست شدم تا به کشورم خدمت کنم و اگر می خواستم پول در بیاورم وارد تجارت می شدم. اما سیاست، آن چنان که در این نوع کتاب ها معرفی می شود، فقط عرصه ی قدرت جویی و کسب منافع شخصی و شرارت آفرینی برای دیگران نیست و مثل وجود چندساحتی انسان عرصه های دیگری هم دارد؛ «سیاست انسان ها را در بدترین و بهترین حالت نشان می دهد.» آن ها تصریح می کنند که سیاست فقط علم کسب، حفظ و گسترش «قدرت» نیست و باید شامل عدالت هم باشد و گرنه حیات اجتماعی بشر چه تفاوتی با تنازع ددان دارد.

بشر هزاران سال تلاش کرده از دایره ی محدود خانواده و قبیله فراتر برود و برای سایر انسان ها هم ارزش قابل شود. با ضعیف شدن نقش مثبت سیاست، این سیر معکوس شده است. در شرحی ساده شده، می توان

گفت افراد و گروه‌هایی به مراکز قدرت نزدیک می‌شوند تا منافع شخصی بیندوزند و قبیله‌های مادی و ایدئولوژیک جدید خودشان را شکل دهند. شیوه‌ی آن‌ها عملاً شبیه فکر تراسیماخوس، سوفسطایی یونان باستان، است که معتقد بود «عدالت در همه‌جا یک چیز بیش‌تر نیست؛ چیزی که برای قوی سودمند باشد.»^۱ در میان مردمان عادی نیز گسست ایده‌ها و منافع مشترک جمعی و ناامیدی از سیاست‌مداران و سیاست، روند زندگی سالم و متنوع اجتماعی را آشفته می‌کند و رفته‌رفته جست‌وجوی خوشبختی و رفاه فردی جای تلاش برای وفاق و بهبود اجتماعی و سعادت همگانی را می‌گیرد. و چه‌بسا گروه‌هایی هم به خشونت رو بیاورند. جامعه‌ای نامتوازن، اتمی‌شده و واگرا؛ انسان‌هایی خسته که، به قول شاعر، «روح دارند اما روحیه ندارند.» حیات سالم و شکوفای اجتماعی در گرو رشد فضایی چون آگاهی، مسئولیت‌پذیری، خیرخواهی و خشونت‌پرهیزی در میان اربابان قدرت رسمی و مردم است. به تقویت ایده‌ها و ارزش‌های مشترک نیاز است. به روز ایده‌ی برابری در «ارجمندی» همه‌ی مردم.

ارسطو در ابتدای کتاب سیاست اشاره می‌کند که اساس تشکیل شهر یا اجتماع سیاسی جست‌وجوی «خیر» است. در جای دیگری از همین کتاب شرح می‌دهد که انسان‌ها قانون تدوین می‌کنند تا جست‌وجوی خیر شخصی موجب بدبختی دیگران نباشد و تا حد امکان منافع همگانی حاصل شود. چنین قانونی تجسم عقل جمعی است. این قانون متضمن نظم اجتماعی و راه تأمین منافع جمع است و باید به صورت جامع اعمال شود، نه به صورت ناقص و به‌ویژه دوگانه. راه سعادت جامعه از فریه شدن یک فرد یا گسترش نامحدود یک گروه، و سرکوب فردیت‌های مردمان عادی نمی‌گذرد. سیسرون، دولت‌مرد و فیلسوف رومی، صریحاً می‌گفت: «رفاه مردم بالاترین قانون است.»^۲ او معتقد بود سیاست هنرِ ممکنات است نه میدان نبرد مطلق‌ها. می‌نویسد: در سیاست، بی‌مسئولیتی است که همیشه موضعی سفت‌وسخت اتخاذ کنیم چرا که شرایط همیشه تغییر

۱. دوره‌ی آثار افلاطون، ترجمه‌ی محمدحسن لطفی، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ج دوم، ص ۸۸۶.

2. Salus populi suprema lex esto

می‌کند و انسان‌های نیک افکار خود را تغییر می‌دهند. سعدی هم در نصیحةالملوک خود می‌گوید: «پادشاهان به رعیت پادشاه‌اند»^۱ و در جای دیگری از این اثر هم می‌گوید: «پادشاهان و لشکریان از بهر محافظت رعیت‌اند تا دست تپاول قوی را از ضعیف کوتاه گردانند. چون دست قوی کوتاه نگردانند و خود درازدستی روا دارند، مر این پادشاه را فایده نباشد لاجرم بقایای نکند. از جمله حُسن تدبیر پادشاه یکی آن است که با خصم قوی در نیچد و بر ضعیف جور نکند که پنجه با غالب افکندن نه مصلحت است و دست ضعیفان بر پیچیدن نه مروت.»

آیا در سیاست می‌توان هر کاری کرد و آیا سیاست نسبتی با حقیقت ندارد؟ گمبل در این باره می‌نویسد: موضع ترامپ و بسیاری از ناسیونالیست‌های پوپولیست در کشورهای دیگر این است که همه‌ی نظرات و باورها به یک اندازه معتبر و به یک اندازه مغالطه‌آمیزند. مهم این است که چه می‌تواند سرشته‌ی روایتگری را در دست بگیرد و با شور و حرارت، بی‌پایان و بی‌شرمی بر یک خط‌مشی پای بفشارد. آیا مطالعه‌ی سیاست این گونه است؟ آیا عینیت کاملاً غیر ممکن است؟ آیا باید خیلی راحت بپذیریم که همه‌ی کارهای مطالعه‌ی سیاست می‌کنیم تقویت گمان‌ها و پیش‌داوری‌های خودمان است؟ به عقیده‌ی گمبل یکی از نکات در مطالعه‌ی سیاست آزمودن و بهبود بخشیدن دانش‌مان و بررسی اعتقاداتی است که داریم. سقراط بر آن بود که زندگی نیاز موده ارزش زیستن ندارد، و این حکم در مورد زندگی‌های سیاسی شده‌ی ما کاملاً صادق است. این موضوع دلیل دیگری بر لزوم مطالعه‌ی سیاست است. مطالعه‌ی سیاست نه تنها به ما امکان می‌دهد مسائل خاص و موقعیت‌های سیاسی را عمیقاً بکاویم، بلکه این فرصت را هم برای ما فراهم می‌کند که زمانی را با بهترین ذهن‌ها از بسیاری رشته‌ها، کسانی که در ماهیت سیاست و امر سیاسی تأمل کرده‌اند، بگذرانیم.

در میان مشکلات، در هر تکاپویی که رخ دهد، چه بسا ناامیدی سر برآورد و چشم بدوزد. آیا راه‌حل سیاست‌گریزی یا رویاپردازی محض

است؟ اندرو گمبل در این کتاب توضیح می‌دهد که چرا باید به سیاست اهمیت داد و چه چیزهایی در سیاست در خطر است. در هر حال، به تعبیر فیلسوف نام‌دار لهستانی، لِشک کولاکوفسکی، «در سیاست، فریب‌خوردگی توجیهی ندارد.»

چهار تصویر به انتهای کتاب افزوده‌ام؛ طوفان در دریای جلیل اثر رامبرانت، تصویری مربوط به عبارت معروف «باغ خود را پرورش بده» از ولتر، دروگران اثر پیتر بروگل پدر و سرانجام، عکسی از جوانی که در حال تماشای تابلو معروف امید اثر جورج فردریک واتس از مجموعه‌ای به نام «خانه‌ی زندگی» است. در هر چهار اثر حرکت و تکاپویی هست و دست‌کم رشته‌ای از امید در آن‌ها جریان دارد. در تابلو واتس زن جوان دردمندی دست در چنگی دارد که هنوز یک تار آن باقی مانده است.

شهاب‌الدین عباسی
دهم دی‌ماه ۱۴۰۲

www.ketab.ir

این کتاب محصول سال‌ها تفکر درباره‌ی سیاست، مطالعه‌ی سیاست، آموزش سیاست، و تجربه‌ی سیاست است. هر نسلی براساس تجربه‌های سیاسی و خاطرات سیاسی خود شکل می‌گیرد. یکی از اولین خاطرات سیاسی من مربوط به سال ۱۹۵۶ است، زمانی که بریتانیا و فرانسه به مصر حمله کردند تا کنترل کانال سوئز را دوباره در دست بگیرند. درک کمی از آن‌چه در حال وقوع بود داشتم اما این اتفاق خیلی خوب به یادمانده، بیش‌تر به این دلیل که پدرم آن ایام آن‌قدر عصبانی بود که اشتراک روزنامه‌ی آبرزور را لغو کرد چون با انتقادات‌شان از اقدامات دولت به شدت مخالف بود. بسیار واضح بود که سیاست مهم است. تجربیات مؤثرم با قتل عام شارپویل در ۱۹۶۰، بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲، رسوایی پروفیومو و ترور کندی در ۱۹۶۳ و پیروزی حزب کارگر در انتخابات ۱۹۶۴ و وعده‌ی یک بریتانیای جدید، با شعار عجیب «بیایید با حزب کارگر همراه شویم و همه‌چیز را سروسامان دهیم» ادامه پیدا کرد. در دانشگاه بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۸ غرق در هیجان زلزله‌های سیاسی و فرهنگی آن سال‌ها بودم. یکی از شعارهایی که در مه ۱۹۶۸ بر روی دیوارها در پاریس ظاهر

شد و ذهن و ضمیر ما را فراگرفت این بود: «واقع بین باش و غیرممکن را طلب کن.» این تجربه‌ها اولین مواجهه‌ی عملی‌ام با سیاست بود و به من نشان داد چرا سیاست مهم است. شروع به مطالعه‌ی جدی سیاست کردم و زود متوجه شدم که فضای وسیع و جذابی از ایده‌ها و تاریخ‌ها و استدلال‌ها برای کاویدن هست، و سیاست بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی بود که تا آن زمان تصور می‌کردم. در نوشتن این کتاب به طور خاص از دو کتاب سیاست و سرنوشت (۲۰۰۰) و حدود مرزهای سیاست (۲۰۰۹) اقتباس کردم. این دو کتاب درس گفتارهای آغازینم در دانشگاه کمبریج بودند. مایلم در این جا از ویراستارانم در انتشارات پالیتی، لوئیز نایت و نیکین تاناکا گالدوس، اولاً به خاطر پیشنهاد این طرح و سپس به دلیل پشتیبانی عالی‌شان در طول نگارش و ارائه‌ی این اثر تشکر کنم. همین طور از جاستین مایلبه دلیل ویرایش اثر که اتقان و روانی جریان استدلال را بسیار بهبود بخشید. همچنین خوش دارم از دو منتقد ناشناس و مخصوصاً ادم رابل به خاطر نظرشان در مورد پیش نویس اولیه‌ی کتاب تشکر کنم. این کتاب به مایکل مور تقدیم شده که مرگ ناگهانی‌اش در آوریل ۲۰۱۸ ما را از یکی از بهترین دانشمندان سیاسی نسلش محروم ساخت. او بهتر از همه‌ی ما درک کرد که چرا سیاست مهم است و در توضیح دلایل آن کتاب‌های متعدد بسیار خوبی نوشت. این قطعه‌را، که در مراسم تدفین او برای جمع خواننده شد و از یکی از آثار کلاسیک او به نام سیاست و حکومت در بریتانیا برگرفته شده، در نظر بگیرید:

چرا سیاست مهم است؟ اصلاً چرا باید به حیات سیاسی اهمیت داد؟ برای اکثر شهروندان... پاسخ این پرسش‌ها بسیار واضح است: هیچ دلیل خوبی نه برای مطالعه‌ی سیاست وجود دارد و نه برای شرکت فعال در زندگی سیاسی... اما اگر سیاست، حتی در دموکراسی، فقط مورد علاقه‌ی اقلیتی باشد، باز اهمیتی فوق العاده زیاد دارد و به معنای دقیق کلمه موضوع مرگ و زندگی است... سیاست در باره‌ی تلاش برای انتخاب میان نظرات و منافع رقیب است... ناکامی در انجام این انتخاب‌ها به کمک ابزارهای صلح‌آمیز، و عدم موفقیت در انجام مؤثر و مسالمت‌آمیز آن‌ها نتایج فاجعه‌باری دارد. برای نمونه، زندگی مردمی را در نظر بگیرید که از بد حادثه در کشورهای فقیر و فلاکت‌زده‌ی افریقا، مثل جمهوری دموکراتیک کنگو، زندگی می‌کنند. چه چیز واحدی زندگی آن‌ها را متحول می‌کند؟

یک پیشرفت بزرگ پزشکی، پیشرفتی بزرگ در زیست فناوری که کشاورزی را پرثمرتر کند، یا امثال این ها؟ هیچ کدام. زندگی آن ها به مدد صلح و ایجاد یک نظام حکومتی باثبات است که در جهت مثبت متحول می شود. زیرا کنگو از زمان کسب استقلال از بلژیک در حدود شصت سال پیش به ورطه‌ی مصایب جنگ های داخلی افتاده است. اگر می خواهیم جهانی بهتر برای هم نوعان خود بسازیم، فهم سیاسی حتی از فهم پزشکی و زیست شناسی یا فیزیک ضروری تر است. سیاست همه‌ی جزئیات زندگی ما را از برجسته ترین تا پیش پا افتاده ترین آن ها شکل می دهد. (۱)

این کتاب برای شش نوه ام جون، نای، لونیس، جورج، سنینون و آیوی هم هست، که در حال حاضر سرخوشانه از سیاست و دلیل اهمیت آن بی خبرند اما یک روز خواهند فهمید.

اندرو گمیل
شفیلد، اوت ۲۰۱۸

www.ketab.ir

سیاست امری به نوازی نازلی دارد. اما همیشه این طور نبوده است. زمان‌ها و فرهنگ‌هایی می‌باشد که سیاست را یکی از شریف‌ترین، تعالی‌بخش‌ترین و ضروری‌ترین فعالیت‌های انسانی می‌دانسته‌اند. ارسطو بر آن بود که مشارکت در حیات دولت شهر را به هر شهروندی که می‌تواند فعال بودن، سخن گفتن و کنشگری در عرصه‌ی عمومی از جمله بالاترین خیرهایی است که آدمیان می‌توانند اشتیاقش را داشته باشند. در سیاست انسان‌ها نشان می‌دهند که در عرصه‌ی جمعی چه توانایی‌هایی دارند. سیسرون نیز چنین عقیده‌ای داشت. در نظر او بالاترین فضیلت انسانی در برخورداری و به‌کارگیری معرفت به امور عملی نهفته است.

کلمه‌ی یونانی polis (که کلمه‌ی politics [= سیاست] از آن مشتق شده) و republic رومی (respublica در لغت به معنای امور عمومی است) آرمان‌هایی بودند که در دوره‌های مختلف در سیاست غرب احیا شدند، به‌ویژه به دست پدران بنیان‌گذار ایالات متحده به واسطه‌ی دیدگاه‌شان راجع به یک جمهوری فضیلت‌مندانه، و همین‌طور به دست

رهبران انقلاب فرانسه با شعار معروفشان «آزادی، برابری، برادری». نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی از مفهوم سیاست در سنت‌های فرهنگی دیگر، مانند سنت علمای دیوان‌سالار ماندارین چین، ظاهر شد. نمونه‌ی مثبت سیاست این حقیقت را به رسمیت می‌شناسد که حکمرانی به مهارت و خردمندی بسیار نیاز دارد و حکومت خوب همه‌ی چیزهای دیگری را که انسان‌ها برای آن‌ها ارزش قایل‌اند ممکن می‌سازد. ایجاد و حفظ یک نظم مدنی و سیاسی که مدنیت^۱ را، با نگه داشتن ستیز و اختلاف شهروندان در داخل حدود مرزها، حفظ می‌کند و آزادی‌های مشخص آن‌ها را تضمین می‌کند، هر وقت و هر جا که رخ دهد، دستاوردی شایان توجه است. غالباً قدردان این دستاورد قیمتی نیستیم.

پاره‌ای از این نگرش به سیاست هنوز در آرمان‌های مربوط به خدمات همگانی و فضایل عمومی باقی مانده، اما این نگرش ناچار است با سنت دیگری دست‌پنجه نرم کند؛ سنتی که نه بر هدف نظم مدنی و سیاسی‌ای که حافظ صلح است و نه بر روند سیاست تمرکز می‌کند. مجاز شمردن درجه‌ای از درگیری میان شهروندان سیاست را پرسروصدا و کثیف می‌کند. راحت می‌شود در سیاست چیزی جز دنباله‌دانی سودجویانه‌ی قدرت ندید؛ شیوه‌ای که به نظر می‌رسد سیاست را به فعالیتی بی‌آبرو، سرکوبگر و فاسد بدل می‌کند که باید از آن پرهیز کرد و در صورت امکان جلو آن را گرفت. از این دیدگاه، سیاست آمیزه‌ای از رذالت، دورویی و حقه‌بازی است و ذره‌ای چیزهای دیگر. سرود ملی بریتانیا، «خدا نگه‌دار پادشاه باد»، که در قرن هجدهم نوشته و تصنیف شد، بند دوم روشنگری دارد که امروزه اغلب خوانده نمی‌شود. این بند اسکاتلندی‌های فتنه‌انگیز را بی‌پروا تقبیح می‌کند: «سیاست آنان را بر هم زن و ترفندهای رذیلانه‌شان را بی‌اثر ساز.» سیاست و ترفندهای رذیلانه در ذهن بیش‌تر مردم با هم همراه هستند.

در انتخابات مقدماتی حزب جمهوری‌خواه در ایالات متحده در ۲۰۱۶، سبیتی که نامزدهای هم‌حزبی در تخریب و ناسزاگفتن به یکدیگر نشان دادند این نظر شایع در مورد سیاست را تأیید کرد. قدرت‌جویی و

استفاده از وسیله‌های غیراخلاقی‌ای که سیاست‌مداران غالباً برای کسب پیروزی مشتاقانه به آن دست می‌زنند همیشه بخشی از افسون سیاست برای کسانی بوده که در بازی بزرگ شرکت می‌کنند، و نشان می‌دهد که چرا واکنش کسانی که وارد این بازی نمی‌شوند آمیزه‌ای از شیفتگی و بی‌میلی به سیاست است.

بی‌میلی واقعی است اما شیفتگی هم واقعی است. سیاست نمایش شخصیت و شرایط است و همین است که برنامه‌های خبری در سراسر جهان را هدایت می‌کند. مردم مدام می‌گویند از سیاست کلافه‌اند و علاقه‌ای به آن ندارند، با این حال رسانه‌های خبری پُر از اخبار مربوط به سیاست هستند و خیلی کم از چیزهای دیگر حرف می‌زنند. این را چگونه توضیح دهیم؟ تا حدی به این دلیل است که انواع مختلفی از سیاست وجود دارد. نوع سیاستی که بیش‌تر رسانه‌های خبری به آن توجه دارند ربط بسیار کمی به جزئیات و پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری عمومی دارد و بیش‌تر معطوف به شکست‌ها، رسوایی‌ها، ستیزها بر سر قدرت، شکست‌های فاحش و ظهور و سقوط افراد خاص است. آن‌ها بر جزئیات بی‌اهمیت سیاست تمرکز می‌کنند و این جزئیات را در لابه‌لای روایت‌های جالب و حکایت‌های اخلاقی می‌پیچند که به طریقی تا پس‌بر بُعد منفی سیاست متمرکزند و باعث می‌شوند بسیاری از شهروندان احساس کنند که به هیچ‌کس نمی‌شود اعتماد کرد، هیچ‌کس شایستگی ندارد، و هیچ‌کس صادق یا خیرخواه نیست. هر کس دنبال منافع خود و شیفته‌ی چیزهایی است که می‌تواند به چنگ بیاورد. همان‌طور که گروچو مارکس^۱ در برداشت طنزآمیز خود در مورد سیاست‌مداران گفته: «اصول من این‌هاست، و اگر از آن‌ها خوش‌تان نمی‌آید... خُب، من اصول دیگری هم دارم.» طنزپردازان معاصر هم در تشخیص بیهودگی مکرر سیاست مدرن کُنند نبوده‌اند. این بیهودگی ناشی از جنون و بدگمانی‌هایی است که غالباً سیاست را احاطه کرده است. یکی از محبوب‌ترین سریال‌های تلویزیونی بریتانیا در سال‌های اخیر سریال در گرماگرم ماجرا است که سیاست مدرن را

تحت سیطره‌ی بحران‌های کوتاه‌مدت به تصویر درمی‌آورد؛ بحران‌هایی که بر اثر فشارهای رقابتی برای تأمین سرخط‌های خبری مطلوب و نادیده گرفتن تقریباً هر چیز دیگر پدید آمده‌اند.

اگر همه‌ی سیاست در همین چیزها خلاصه می‌شد، چیز زیادی برای آموختن در مورد آن وجود نداشت و کم‌تر کسی خود را به زحمت می‌انداخت چیزی در مورد آن بیاموزد، چه برسد به این که بخواهد تمام زندگی خود را وقف آن کند و درباره‌ی آن بنویسد. اکثر مردم، حتی آن‌ها که سیاست و سیاست‌مداران را تحقیر می‌کنند، این شهود عمیق‌تر را دارند که سیاست چیزی فراتر از رفتار گاه عجیب و غریب و خودخواهانه‌ی برخی سیاست‌مداران است. یکی از دلایل این که سیاست سزاوار توجه ماست همین است. سیاست همه‌جا هست. سیاست زیربنای زندگی ماست. با وجود همه‌ی کاستی‌هایش، فقط از طریق سیاست و انواع مختلف سیاست است که می‌توانیم به پاره‌ای از مشکلات مبرم پیش روی مان مواجه شویم. هدف کتاب من شرح این نکته است که چرا چنین است و چرا مطالعه‌ی سیاست می‌تواند به حالب و اثرگذار باشد و در نحوه‌ی زندگی ما و برای چشم‌اندازهای آینده‌ی جهان و فرهنگ‌های مختلفی که انسان‌ها خلق کرده‌اند بسیار اهمیت داشته باشد. مطالعه‌ی سیاست باید به توانایی‌های انسان‌ها و جوامع انسانی و دستاوردهایی که کسب کرده‌اند و قادر به کسب‌شان هستند امید داشته باشید. درعین حال، لازم است آگاهی شکاکانه‌ای از حدود دانش و توانایی‌های انسان و ضعف جوامع داشته باشید و جنبه‌های تاریک‌تر و بیهوده‌شان را بشناسید. همان‌طور که ناپلئون زمانی گفته بود، و خودش تجربه‌ای در این زمینه داشت، «از عالی تا سافل فقط یک قدم فاصله است.» برخی سیاست‌مداران هرگز از سطح سافل بالاتر نمی‌روند و آن‌ها هم که به سطح عالی می‌رسند تجربه‌شان در این زمینه زودگذر است. برای سامورایی‌های ژاپنی بیش‌تر از شکوفه‌های گیلاس در بهار دوام ندارد. شعر شلی درباره‌ی اوزیماندیس^۱ به گذرا بودن قدرت حتی در دستان مسلط‌ترین و مستبدترین حاکمان اشاره می‌کند:

۱. نام یونانی رامسس دوم، پادشاه مصر.

به مسافری از سرزمینی باستانی برخوردیم،
 که گفت: «دو پای سنگی بزرگ و بی‌تنه در صحرا بر پاست...
 نزدیک آن‌ها، روی شن‌ها، چهره‌ای درهم‌شکسته
 افتاده که نیمی از آن در شن‌ها مدفون است.
 و بر پایه‌ی مجسمه، این کلمات نقش بسته:
 نام من رامسس دوم، پادشاه پادشاهان است؛
 به آثارم بنگرید که چه عظیم‌اند، و نومید شوید!
 اکنون هیچ‌چیز کنار آن بقایا نیست. گرداگرد زوال
 آن ویرانه‌ی غول‌آسا، در پهنه‌ای خشک و بی‌کران،
 شن‌های همواری هست که تا دور دست‌ها گسترده‌اند.

در دوره‌ی معاصر، حاکمان مستبد و قدرت‌پرستِ زیادی مثل اوزیماندیس
 وجود دارند. برخی از آن‌ها به فرجام‌های خونین و پرخشونت می‌رسند.
 برخی دیگر آسوده‌خاطر در تخت خود می‌میرند. در مشاجرات تند
 سیاست‌دموکراتیک، سیاست‌مدارانِ عرصه‌ی دموکراسی اغلب با مستبدان
 و حاکمان قلم‌بازِ دیکتاتوری مقایسه می‌شوند. اما همیشه باید تفاوت‌ها را به
 یاد داشته باشیم.

www.ketab.ir